معرفی آثار فیلون

رضا گندمی نصرآبادی
دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تهران، مرکز مطالعات ادیان- قم

Philo, the Works of Philo complete and unabridged, translated By C.D.Yonge, Hendrickson, 3rd, 1995.

قبل از بررسی اجمالی آثار فیلون باید به این سؤال پاسخ داد که اصولاً در عصر حاضر آشنایی با آثار فیلون چه ضرورتی دارد، و به عبارت دقیق‌تر، آشنایی با افکار فیلون کدام یک از مشکلات ما را حل می‌کند؟ تحقیق دربارهٔ افکار فیلون و نیز آشنایی با آثار وی از جهات ذیل می‌تواند اهمیت داشته باشد: ۱- آشنایی با دیدگاه‌هایی که در پایان دورهٔ هلنیستی و آغاز دورهٔ رومی به خصوص تاریخ رواقی‌گری، افلاطونی میانه و نوافلاطونی مطرح بوده است؛ ۲- مطالعهٔ دیاسپورا و آوارگی قوم یهود در دورهٔ باستان؛ ۳- آثار فیلون یکی از منابع مهم پژوهش پیرامون کنیسه‌های دیاسپورا در دو قرن پیش از میلاد است که حاصل سفر او به رم می‌باشد؛ ۴- مطالعات مربوط به کتاب مقدس و ترجمهٔ هفتادی؛ ۵- مطالعهٔ سرآغازهای مسیحی و ارتباط میان عهد جدید و محیط اجتماعی- فرهنگی که در آن تدوین یافته است؛ ۶- بسط و تکامل مطالعات مربوط به آبای کلیسا و نیز تأثیراتی که از فیلون پذیرفته‌اند؛ ۷- مطالعهٔ طومارهای قمران که در قرن بیستم کشف شد. بدون تردید آثار فیلون خاصه رسالهٔ دربارهٔ زندگی عارفانه می‌تواند کمک بزرگی به فهم این طومارها کند؛ ۸- مهم‌تر از همه تحقیق و پژوهش در آثار و افکار فیلون راه را برای مطالعات تطبیقی در حوزهٔ ادیان سامی (در قلمروهای الهیاتی، فلسفی و عرفانی) فراهم می‌سازد؛ چه آنکه او بنیان‌گذار و مؤسس فلسفهٔ دینی است. بدون تردید تحقیقات بی‌شماری که در قرن اخیر دربارهٔ فیلون به عمل آمده است به خوبی زمینهٔ این مهم را فراهم آورده است.

از ارجاعات خود فیلون به آثارش نمی‌توان تاریخ دقیق نگارش آنها را دریافت چون به قدری مبهم است که چنین کاری را محال ساخته است. به طور قطع، دو رسالهٔ دربارهٔ فلاکیوس و دربارهٔ گایوس در سال‌های آخر عمر او تألیف شده است. یعنی بعد از شورشی که حدود سال ۳۸ میلادی در اسکندریه رخ داد و فیلون به عنوان نماینده و سفیر یهودیان اسکندریه (حدود ۴۰) به دربار امپراتور رم رفت. آثار فلسفی فیلون که مشتمل بر پنج رساله است در دورهٔ جوانی وی نوشته شده است. چه آنکه از ظرافت و نکته سنجی‌های

ادبی و نیز ژرفای آثار دوران کهنسالی وی بی بهره است (Willam Horbury(ed), 1999: 891).

نسخهٔ یونانی آثار فیلون در نیمهٔ دوم قرن دوم در کتابخانهٔ مشهور اسکندریه وجود داشت. کلمنت اسکندرانی با آثار وی آشنا بود و از آنها الهام گرفته است. کلمنت هر چند در مجموع آثار خود تنها چهار بار به آثار فیلون ارجاع داده، در واقع بیش از صدها بار از کلمات و افکار فیلون بهره برده است. تأثیر آثار فیلون بر اوریگن خدشه ناپذیر است. البته در اینکه اوریگن در اسکندریه آثار فیلون را خوانده یا در کایسارا در فلسطین تردیدهایی وجود دارد. اویسیبوس، مورخ تاریخ کلیسا، مجموع آثار فیلون را در کایسارا یافت. البته قبل از او نیز آثار فیلون به طور پراکنده و ناقص وجود داشت و احیاناً توسط یک ربی یهودی احیا شده بود. اسقف اویسیبوس در قرن چهارم از روی نسخه‌های اسکندریه استنساخ کرد و در سراسر خاورمیانه و نیز در طول قرون وسطی آثار او حفظ شد. آمبروز در میلان آثار فیلون را خواند. وی در تفاسیر خود بر کتاب مقدس از آنها بهره جسته است. اگوستین با ترجمهٔ لاتینی آثار فیلون آشنا بوده است. دیوید رونیا در جلد هفتم سالنامهٔ مطالعات فیلونی در مقاله‌ای با عنوان فیلون اسکندرانی و سرآغازهای تفکر مسیحی به خوبی تأثیرپذیری متفکران مسیحی از جمله اگوستین را نشان داده است. رونیا در کتاب نسبتاً مفصلی با عنوان فیلون در آثار مسیحیت اولیه خلاصه‌ای از نظراتی را که پژوهشگران و مورخان ادیان در باب تأثیرپذیری عهد جدید خاصه انجیل یوحنا و رساله‌های پولس و آبای کلیسا تا قرن چهارم خاصه کلمنت و اوریگن از فیلون ارائه کرده‌اند، همراه با دیدگاه‌های خود مطرح کرده است برخی از متفکران مسیحی حتی فیلون را یک مسیحی به حساب آورده‌اند. به عنوان مثال، یوسیبوس و جروم، مترجم کتاب مقدس به زبان لاتینی موسوم به ترجمهٔ و ولگات، برای اثبات ادعای فوق ناگزیر از جعل داستان ذیل شده‌اند. به زعم آنان فیلون پطرس را در رُم ملاقات کرده، و هنگامی که در رسالهٔ دربارهٔ زندگی عارفانه از اسنی‌ها و جماعت تراپیوتا یا شفاءدهندگان سخن می‌گوید در واقع او راهبان اولیهٔ مسیحی را توصیف کرده است و نه یک فرقه و گروه یهودی. بر این اساس، نسخه نویسان اسکندریه بارها به او لقب اسقف داده‌اند و جروم وی را در صدر آبای کلیسا نشانده است. به هر حال، در آثار او هیچ اثری از چنین ملاقاتی و نیز گرایش به مسیحیت دیده نمی‌شود.

آثار فیلون در طول قرن‌های متمادی از گزند حوادث مصون ماند. مسیحیان از همان آغاز با آثار وی آشنا بودند و از آنها استفاده و نسخه‌برداری می‌کردند تا اینکه در دورهٔ رنسانس در سال (۱۵۵۲) آدریان تورنب تمام رساله‌های فیلون را برای اولین بار در پاریس چاپ و منتشر ساخت. هگل نیز در تاریخ فلسفهٔ خود به برخی از رساله‌های فیلون که در زمان او در دسترس بوده، و در سال (۱۶۹۱) در فرانکفورت به چاپ رسیده اشاره می‌کند؛ کتاب دربارهٔ آفرینش جهان، دربارهٔ

پاداش و عقاب و تفاسیر رمزی از جملهٔ آنهاست. اما در واقع فیلون در قرن نوزدهم به تدریج جایگاه بایستهٔ خود را در نظرات دینی و فلسفی و نیز تاریخ ادبیات پیدا کرد. به مدت یک قرن تحقیقات متعددی دربارهٔ او انجام پذیرفت. در دهه‌های اخیر آثار و افکار فیلون به طرز روزافزونی گسترش یافت به گونه‌ای که چاپ‌ها و ترجمه‌های متعددی از آثار وی ارائه شده است (Ibid. 877).

در سرتاسر آثار فیلون وفاداری و مراتب خلوص وی به قوم و مذهبش مشهود است. اما با این وصف، آثار او مورد استقبال متفکران یهودی قرار نگرفت. چرا که خاخام‌های یهودی با تفسیر رمزی و تاویل کتاب مقدس که توسط وی انجام می‌گرفت، با اندیشهٔ مبتنی بر لوگوس وی، و با شیفتگی و دلدادگی وی نسبت به فلسفهٔ یونان مخالف بودند، چه آنکه به زعم ایشان تفسیر رمزی به اباحی‌گری و بی‌توجهی به شریعت دامن می‌زند، باور به لوگوس اندیشهٔ توحید را خدشه‌دار می‌سازد، شیفتگی و دلدادگی به فلسفهٔ یونان به محو و اضمحلال فرهنگ یهود در فرهنگ غالب منتهی می‌شود. و این در حالی بود که فیلون، آن گونه که از آثارش برمی‌آید، تمام سعی و همت خود را در راه جمع و توفیق فرهنگ یونانی با فرهنگ یهودی مصروف داشت و از نظر خودش در این راه به توفیقاتی دست یافت، ولی به باور یهودیان تلاش‌های او بی حاصل بود. هر چند از نگاه خودش کامیاب بود. به عنوان مثال، فصل اول انجیل یوحنا گواه این مدعاست و نیز تأثیر زیادی که او حتی در میدراش‌ها برجا گذاشت.

تنها منبع یهودی دوران باستان که از فیلون ذکری به میان آورده است یوسفوس است. در طول قرون وسطی متفکران یهودی از طریق متفکران مسیحی و مسلمان با ترجمهٔ ناقصی از آثار فیلون به عربی و سریانی با افکار او آشنا شدند و تأثیر پذیرفتند. از این بین می‌توان به ابن میمون و یهودا هلوی اشاره کرد. در قرن شانزدهم عزریا بن موسی راسی نام و آثار فیلون رادر میان یهودیان احیاء کرد. او انسان فرهیخته‌ای بود که کمی یونانی می‌دانست، اما تمام آثار نویسندگان یونان باستان از جمله آبای کلیسا را از طریق ترجمه‌های لاتینی خواند. بنابراین، فیلون در طول قرون وسطی هیچ‌گونه تأثیر مستقیمی بر سنت فلسفی یهودی نگذاشت. با این وصف، او تنها فیلسوف یهودی است که شناختی بی‌واسطه از متون فلسفی و ادبی اصیل و دست اول یونانی داشت و بنیان یک فلسفهٔ یهودی را گذاشت.

از قرن نوزدهم به این سو متفکران یهودی توجه ویژه‌ای به آثار فیلون مبذول داشتند، و از اینکه آثار و افکار وی مورد استفادهٔ کسانی که طرف توجه و مخاطب او بودند قرار نگرفت دریغ و افسوس می‌خوردند. ولفسن تمام آثار خود را در حوزهٔ مطالعات ادیان سامی (اعم از الهیات، فلسفه و عرفان) با محوریت افکار فیلون تدوین کرد. فیلون شناسانی همچون گودیناف، رونیا، وینستون و ده‌ها متفکر دیگر تقریباً تمام عمر خود را صرف مطالعه و تحقیق در افکار فیلون کردند. حاصل این تلاش‌ها ده‌ها تک نگاشت و صدها مقاله است، همچنین سالنامه‌ای با عنوان سالنامهٔ مطالعات فیلونی

به طور منظم منتشر می‌شود.

فیلون به واسطهٔ آثار مکتوبش از جایگاه مهمی در جامعهٔ یهودی اسکندریه برخوردار گشت و در طول تاریخ یهودیت به عنوان یک شخصیت مهم باقی ماند. در حال حاضر بیش از ۲۵۰۰ صفحه از آثار او در قالب ۴۵ رساله در دسترس است که البته بخش کوچکی از آن همچنان به زبان ارمنی باقی مانده است. آثار فیلون به لحاظ سبک و محتوی خیلی نوسان دارند. گر چه هیچ‌گونه تقسیم‌بندی کامل و رضایت بخشی دربارهٔ آنها نمی‌توان انجام داد مجموعه‌های ذیل می‌توانند متمایز باشند: آثار تاریخی، تفسیر تورات، تفاسیر رمزی و رساله‌های فلسفی. رونیا در مقاله‌ای با عنوان اینکه چگونه باید آثار فیلون را خواند، آثار وی را به پنج گروه تقسیم می‌کند: ۱- سؤال‌ها و پاسخ‌های مربوط به سفر پیدایش و خروج؛ ۲- تفسیر رمزی؛ ۳- تفسیر کتاب مقدس؛ ۴- رساله‌های تاریخی- مدافعه‌ای؛ ۵- رساله‌های فلسفی (Runia, 1990: 98-185).

۱- آثار تاریخی و تا حدی زندگی‌نامه‌ای: دو رسالهٔ دربارهٔ فلاکوس و دربارهٔ گایوس به وضعیت یهودیان در سال‌های ۳۵ الی ۴۰ در اسکندریه می‌پردازد. این دو رساله از آن جهت که فیلون به عنوان یک شاهد عینی و نیز یک شرکت کننده در حوادث اطلاعات نسبتاً مفصلی را از تاریخ معاصر خود ارائه کرده است حائز اهمیت است. رسالهٔ اول دربارهٔ شورش بر ضد حاکم وقت و نیز کشتار دسته‌جمعی یهودیان در اسکندریه (۳۸) است و رسالهٔ دوم دربارهٔ ماموریت فیلون به نمایندگی از یهودیان اسکندریه در سفر به رم و شیوهٔ دفاع او از اقلیت یهودی اسکندریه است. به زعم گودیناف رسالهٔ نخست برای جانشین فلاکوس یا یکی از اخلاف وی و رسالهٔ دوم برای کلاودیوس و دربار او (احتمالاً برای نرو) نوشته شده است (Goodenough, 1940: 35).

همان‌گونه که گودیناف گفته است برای بررسی آثار فیلون نخست باید شخصیت وی شناخته شود. و این دو رساله تا حدی برخی از ابعاد شخصیتی فیلون را آشکار می‌سازد. فیلون به شدت بر دشمنان یهودیان تاخت. آولیوس فلاکوس، حاکم مصر، بعد از پنج سال حکومت مسالت‌آمیز در چرخشی غیرمنتظره جانب ملی‌گراها و دشمنان یهودیان را گرفت. گالیگولا، کسی که می‌خواست مجسمه‌اش را نه فقط در کنیسهٔ مصر، که در معبد اورشلیم نصب کنند. فیلون در این دو رساله با شم سیاسی بالا بر آن بود تا به عاملان رم یعنی حاکم مصر و نیز امپراتور ثابت کند که یهودیان شهروندان خوب، وظیفه‌شناس و ایثارگر هستند، و حکمت اقتضا می‌کند به افرادی از این دست اجازه داده شود سنت‌های دینی خود را مراعات کنند و کسانی که بر این جماعت ظلم روا دارند در انتظار فرود آمدن عذاب الهی بر خود باشند. مراعات شریعت برای یهودیان اهمیت بسیاری دارد، لذا اگر کسی دیوانه‌وار آنان را به نادیده گرفتن سبت یا به تصدیق الوهیت پادشاه مجبور کند این

کار برای او خطرناک خواهد بود (Ibid).

این دو رساله را که هم‌زمان تاریخی، جدلی و مدافعه‌ای است می‌توان با دو رسالهٔ دیگر که با حال و هوای کاملاً متفاوت و به روش تاریخی و مدافعه‌ای خاصی نوشته شده است مقایسه کرد.

الف) دربارهٔ زندگی موسی. این رساله مراحل مختلفی از ارزیابی‌های انتقادی را پشت سرگذرانده است به خصوص به خاطر ارتباط آن با مجموعهٔ بزرگتری به نام تفسیر تورات. این رساله به شیوهٔ بیوگرافی‌های یونانی دربارهٔ شخصیت‌های برجسته نوشته شده است و موسی را به عنوان رهبر قوم یهود معرفی می‌کند، و نشان می‌دهد که او هم زمان قانون‌گزار، کاهن و پیامبر است. او موسی را به عنوان حکیم ایدئال رواقیان، انسان الهی فیثاغوریان و منجی عارفان معرفی کرد. این رساله که ظاهراً خطاب به غیر یهودیان همدل نوشته شده است همچون مدخلی بر یهودیت و به نوعی دفاعیه برای یهودیان به شمار می‌آید. موسی در این رساله به همان شیوهٔ نویسندگان یونانی تصویری از پادشاه آرمانی ارائه می‌کند، و از تصوری که دربارهٔ فراعنهٔ مصر و حاکمان ایرانی و بابلی و حتی پادشاهان یهودی همچون داود و سلیمان وجود دارد استفاده می‌کند. همان که حکیم، منجی، الهام گرفته از خدا و قانون و شریعت مجسم و زنده‌ای است که قانون طبیعت و خدا را تبیین می‌کند.

ب) دربارهٔ زندگی عارفانه. در اواسط قرن نوزدهم یکی از بحث‌های جنجالی و مهم این بود که آیا جماعت تراپیوتا که فیلون آنان را توصیف کرده است یک گروه واقعی بوده‌اند یا این که به گروهی از راهبان مسیحی متعلق به سه قرن بعد تعلق دارند. اما امروزه دیگر در اصالت این اثر فیلون تردیدی نیست، و این رساله بخشی از یک اثر بزرگ تر است. جملهٔ اول آن این مسئله را تأیید می‌کند. سالیانی است پذیرفته شده است که آن بخشی از یک دفاعیه برای یهودیان خطاب به بیگانگان است. بخش دیگر آن با عنوان فرضیه‌ای(Hypothetica) آمده است. در عین حال، دربارهٔ زندگی عارفانه فی‌نفسه یک واحد کامل است (Ibid. 8-36). فیلون در این رساله توصیف کاملی از زندگی جماعت تراپیوتا یعنی شفاءدهندگان یا عبادت‌کنندگان خدای حقیقی به دست می‌دهد و درست به همین دلیل این رساله شهرت یافته است.

این جماعت لذت‌های جسمانی را رد کردند و در طول عمر پاکدامنی را پیشهٔ خود ساختند و این کار به خاطر میل شدید ایشان به حکمت بود. در واقع حکمت را به همسری برگزیدند. آنان از خوردن گوشت حیوانات پرهیز و به قرصی نان و خورش نمک بسنده و به شدت از شراب پرهیز می‌کردند. ثروت را می‌شماردند و در واقع زندگی اشتراکی داشتند و به سرپناهی که آنان را از گزند گرما و سرما مصون دارد، رضایت دادند (philo, on the contemplative life, 68).

آنان روزی دو نوبت، یکی هنگام سپیدهٔ صبح و دیگری هنگام غروب آفتاب نماز می‌خواندند

و شب‌ها را به شب زنده‌داری به شیوهٔ خاص خود مشغول بودند (Ibid. 24-30).

ایشان دسته‌جمعی سرودهایی در اوزان مختلف برای خدا می‌خواندند و در حال وجد، گاهی با حرکت هم‌زمان دست‌ها و پاها، آهنگ راهپیمایی می‌آفریدند و گاهی با توقف و چرخیدن و واچرخیدن، آهنگ رقص دسته‌جمعی پدید می‌آوردند (Ibid. 4-83).

به گفتهٔ اوسیبیوس این مردان و زنان زاهد با راهبان مسیحی اولیه که او در یکی صومعه‌های مسیحی دیده بود شباهت بسیار زیادی داشتند. این برداشت مورد قبول واقع شد به گونه‌ای که اصالت این رسالهٔ فیلون زیر سؤال رفت و همچون یک تقلید ادبی در نظر گرفته شد. امروزه، دیگر هیچ کس دربارهٔ اصالت این رساله تردیدی ندارد، اما دربارهٔ مسیحی بودن یا نبودن جماعت تراپیوتا حرف‌های زیادی وجود دارد. جماعت تراپیوتا به احتمال قوی یک فرقهٔ هودی شبیه فرقهٔ اسنی‌ها و احتمالاً از یک ریشه بودند که شباهت‌ها و در عین حال تفاوت‌هایی با هم داشتند. به احتمال زیاد عزلت رهبانی اولیهٔ فیلون با این گروه بوده است. او می‌گوید به خاطر فعالیت سیاسی مجبور بوده این گروه را ترک گوید که این به معنای عضویت اولیه در این گروه یا اقامت و سکونت با آنها بوده است.

فیلون، با احساس ستایش برانگیزی زندگی رهبانی آنان را توصیف کرده است. او با اینکه فعالیت سیاسی می‌کرد همواره این گروه برای او محترم بود و به آنها رشک می‌برد. قرائن زیادی بر این مدعا وجود دارد. اوسیبیوس به دستهٔ نخست از این آثار قطعاتی را افزوده است که از دو اثری گرفته شده، که او از آن با عنوان ذیل یاد می‌کند: دفاعیه‌ای برای یهودیان و فرضیه. دو قطعهٔ فرضیه‌ای در کتاب اوسیبیوس باقی مانده است. اولی حکایت از این دارد که اسنی‌ها به فضایل و ارزش‌های انسانی و اجتماعی پایبند بودند و اتهاماتی همچون مردم‌گریزی و تفکیک‌نژادی را که متوجه یهودیان است و نیز عبارات افتراآمیزی دایر بر اینکه موسی یک فال یا طالع‌بین است رد می‌کند. در قطعهٔ نخست رسالهٔ دوم از موسی به عنوان رهبر خروج و قانون‌گزار یهودیان دفاع می‌کند و می‌توان آن را با فقراتی از کتاب بر ضد اپیون یوسفوس مقایسه کرد. البته از نظر گودیناف میان آن دو از نظر لحن و محتوی هیچ شباهتی نیست. در قطعهٔ دوم دیدگاه‌های مؤثر و سنجیدهٔ شریعت یهود را ارائه می‌کند. فقدان این رساله باعث شده ما از جزئیات نگرش او راجع به الحاد بی‌خبر باشیم.

به یقین، مخاطب مجموعهٔ دوم (رساله‌هایی که فیلون تحت عنوان تفاسیری بر تورات نوشته) غیر یهودیان هستند. فرض براین است که آنان بعد از مطالعهٔ زندگی موسی در صدد آشنایی با تورات برآمده‌اند و فیلون به خواستهٔ ایشان پاسخ گفته است. چناتکه گودیناف در کتاب مدخلی بر فیلون یهودی به درستی گفته است فیلون در آشنا ساختن غیر یهودیان با تورات نظم و نسق خاصی

را دنبال کرده است.

نخست یک معرفی کیهان شناختی (رسالهٔ دربارهٔ آفرینش)، بعد پرداختن به زندگانی کسانی که به زعم وی تجسم تورات هستند (دربارهٔ ابراهیم، دربارهٔ یوسف)، بررسی اصول کلی شریعت و کاربرد این اصول در قوانین ویژه (دربارهٔ قوانین خاص)؛ و سپس ارتباط میان قوانین و فضایل اخلاقی (دربارهٔ فضایل)، و در پایان محرمات، پاداش‌ها و کیفرها را در دستور کار خود قرار داده است (Goodenough, 1940: 1- 40).

فیلون در این بخش از آثارش ذهن عمیقاً دینی دارد و خود را وقف شریعت کرد و جهانی بودن فکر او به بهترین وجه دیده می‌شود. از نظر او، شریعت موسوی اهمیت و ارزش جهانی دارد و اختصاص به یهودیان ندارد، بلکه با تمام انسان‌ها سر و کار دارد و شیوهٔ رفتاری راکه مناسب هر عصر و سرزمینی است نشان می‌دهد. انسانی که از شریعت موسوی اطاعت می‌کند نه فقط یهودی خوبی است که شهروند خوب جهان نیز می‌باشد (philo, on creation). این اعتقاد فیلون از تورات الهام گرفته است: از نگاه تورات، خلقت محصول نظم، هماهنگی و زیبایی است؛ جهان صورت لوگوس و خود خداست؛ انسان بعد از هبوط باید دوباره به این نظم و زیبایی باز گردد یعنی به قانون جهان یا قانون طبیعت؛ پاتریاخ‌ها تجسم این قانون و شریعت بودند تا اینکه موسی آن را به صورت مکتوب ارائه کرد.

رسالهٔ (دربارهٔ آفرینش جهان) رسالهٔ کلیدی در مطالعهٔ افکار فیلون؛ و نیز به زعم گودیناف مشکل‌ترین رساله است. این رساله در ابتدای بیشتر ویرایش‌ها و چاپ‌هایی که از آثار فیلون صورت گرفته واقع شده است، اما مشکل بودن آن باعث شده خواننده آن را به عنوان آخرین رساله مطالعه کند. فیلون در این رساله می‌خواهد خوانندهٔ غیریهودی را با حجم زیادی از مطالب کیهان‌شناختی و متافیزیک یونانی که از سه فصل نخست سفر پیدایش استخراج کرده است متحیر و متعجب سازد. با این وصف، آن کاملاً یک اثر ساختگی و تصنعی نیست، بلکه فیلون با دقت آن جنبه‌هایی از فلسفه را برگزیده که در آثار یونانی یا در سنت ایرانی به او مدد می‌رساند و در تفکر دینی خود وارد ساخته است.

فیلون می‌گوید این واقعیت که موسی کتاب خود را با خلقت جهان شروع کرد او را بر تمام قانونگزاران دیگر ثابت می‌کند، چه آنکه برخی از همان ابتدا با وضع قانون، بقیه با افسانه و اسطوره، کار خود را شروع کرده اند، ولی موسی قانون و شریعت را در آغاز جهان قرار داده است و واقعیت آن است کسی که قانون حقیقی را مراعت کند بر وفق طبیعت و خدای طبیعت زندگی خواهد کرد. در این رساله می‌توان دید که چگونه فیلون از کتاب مقدس رهنمون گرفته، و خود را آگاهانه به نظراتی که از فلسفهٔ یونانی گرفته مجهز کرده است. در زمان او تلفیقی از افکار افلاطون، ارسطو و رواقیون رواج داشت. فیلون به عنوان یک فیلسوف و یک الهی‌دان به خوبی از عهدهٔ تبیین دوگانهٔ

خلقت (آن گونه که در کتاب مقدس گزارش شده است) یعنی مسئلهٔ زمان، منشأ جنسیت و هبوط آدم برآمده است. او رساله‌اش را با تأکید ویژه بر برخی از اصولی که به طور انکارناپذیری بر تبیین موسی از خلقت مبتنی است به پایان می‌برد؛ و به مدد بسیاری از نظرات فلسفی مسائلی همچون وجود و وحدت خدا، خلقت جهان توسط خدا، وحدت جهان و مشیت الهی را تبیین می‌کند. فیلون می‌گوید: «این تعالیم بهترین و زیباترین تعالیم موجود است ... انسانی که این تعالیم را فرا گیرد زندگی با سعادت و قداست کامل را خواهد گذراند (Philo, on the creation, 172).

زندگانی مشایخ یا پاتریاخ‌ها در دو دستهٔ سه‌تایی ارائه شده است. انوش، اخنوخ و نوح که به اختصار در آغاز رسالهٔ *دربارهٔ ابراهیم* به آنها پرداخته است. دستهٔ دوم دربارهٔ ابراهیم، اسحاق و یعقوب است که فیلون رساله‌ای را به هر یک اختصاص داده است. دو رسالهٔ *دربارهٔ اسحاق و یعقوب* مفقود شده است. در رسالهٔ *دربارهٔ ابراهیم* داستان مشایخ بنی اسرائیل پی‌گیری می‌شود. فیلون با بازگشت به گزارش‌های کتاب مقدس با مهارت خاصی به ترتیب به معنای ظاهری و باطنی مهاجرت ابراهیم از بردگی و اسارت مادی، مکاشفه‌های متوالی او، ازدواج او با حکمت یا تقوا (ساره) و مطالبی از این دست پرداخت تا معلوم می‌شود که ابراهیم بیش از یک انسان معمولی است. چه آنکه خدا با او، «نه به عنوان یک انسان که به عنوان یک دوست سخن گفته است» (Philo, on Abraham, 27).

تنها خلاصه‌ای از دو رسالهٔ دربارهٔ اسحاق و یعقوب در آخرین کتاب تفسیر وجود دارد. اسحاق بر پایهٔ این خلاصه‌ها مقامی والاتر و بلندتر از آن دو داشته است. زیرا آن دو برای اینکه به رابطهٔ مطلوب با خدا دست یابند ناگزیر بودند دوره‌های طولانی مهاجرت و تربیت را طی کنند، در حالی‌که اسحاق از بدو تولد مجالی برای ترقی و بهبود نداشت. نکتهٔ در خور توجه دیگری که باید دربارهٔ سه رسالهٔ از پیش گفته بیان کرد این است که این سه‌گانه بیانگر سه شیوهٔ تحصیل یا برخورداری فضیلت است که همانا حکمت و تقوای واقعی می‌باشد. در واقع، فیلون در این رساله‌ها فضایلی از قبیل تعلیم، کمال و عمل را به کمک اشخاصی نظیر ابراهیم، اسحاق و یعقوب نشان داده است (Philo, on Abraham, 273).

رسالهٔ (*دربارهٔ یوسف*) به دنبال آرمان‌گرایی سه پاتریاخ بزرگ پیشین نیست. فیلون در این رساله الگوی یک سیاست‌مدار و به عبارت دقیق‌تر حاکم مصر را ارائه می‌دهد. اگر ابراهیم، اسحاق و یعقوب نمونهٔ انسان‌های عاقلی هستند که بر کل جهان تحت حاکمیت عقل تاثیر می‌گذارند، یوسف نمونهٔ حاکمی است که با مهارت و درایت بر کشوری حکومت می‌کند که تحت حاکمیت قوانین خاص است. موفقیت یوسف در این کار به خاطر ایمان به ندای وجدانش، عدم تعصب و وقف کردن خود به امور خیر و در یک کلام ایمان به خداست. دیدگاه‌های سیاسی فیلون را باید در این رساله

یافت. فیلون در این رساله مجالی یافته تا وظیفه و کارکرد یک حاکم مدنی را به بحث گذاشته و هوشمندانه به خوانندگان غیر یهودی اندرز دهد که رفتار درست حاکمان مصری باید چگونه باشد. سیاست، مطلوب مشایخ نبود، اما یوسف حاکم نمونه و سرمشقی بود که همواره به هدایت خدا چشم داشت و با وسواس زیاد نسبت به تمام ملت‌ها عدالت روا می‌داشت. اگر رومی‌ها به دنبال حاکم مطلوب در مصر هستند، مصداقی بهتر از یوسف که شرح حال آن در کتاب مقدس گزارش شده است نخواهند یافت (Goodenough, 1940: p47).

بعد از آنکه فیلون شریعت را از نظر واقعیت کیهانی و متافیزیکی نشان داد و نیز به شرح حال انسان‌هایی پرداخت که تجسم شریعت و نیز منجی‌های آینده بوده‌اند، پژوهشگر غیر یهودی آمادهٔ شنیدن شریعت مکتوب می‌گشت. لذا او رسالهٔ (*دربارهٔ ده فرمان*) را که از طرف خدا الهام شده بود نگاشت. فیلون ده فرمان را به دو دستهٔ پنج‌تایی تقسیم می‌کند: اصول کلی روابط خدا با انسان و روابط انسان‌ها با یکدیگر. هر یک از این اصول اصل بنیادین هستند و شریعت قوانین جزئی‌تر از آنها استنباط می‌شوند. فیلون در رسالهٔ فوق تنها به طرح اصول کلی قوانینی می‌پردازد که بعداً در چهار کتاب (*دربارهٔ قوانین خاص*) به تفصیل به آنها پرداخته است. او در چهار کتاب فوق نشان می‌دهد که چگونه حالت‌های جزئی آن قوانین نتایج منطقی و درست کاربرد این اصول بر ابعاد مختلف زندگی است.

فیلون در ابتدای این رساله می‌گوید بر آن است تا نخست به قوانین کلی بپردازد و در وهلهٔ بعد به قوانین جزئی (Philo, The Decalogue, 1). قوانین کلی در واقع قوانین نانوشته‌ای است که الگوهای کهن پیشین بر طبق آن زندگی کرده‌اند. شریعت مکتوب همان انسان‌هایی هستند که شرافتمندانه زندگی می‌کردند و فضایل ایشان در کتاب مقدس منتشر و ترویج شده است. فیلون فقط قصد تمجید و ستایش آنان را نداشت، بلکه می‌خواست خوانندگان به الهامی مشابه رهنمون شوند. موسی به دو دلیل مشهور شد: نخست می‌خواست اثبات کند که قوانین کتاب مقدس با طبیعت اختلاف ندارد و دوم آنکه کسانی که می‌خواهند بر طبق قوانین مکتوب (تورات) زندگی کنند با زحمت زیادی مواجه نخواهند شد، زیرا مشایخ بنی‌اسرائیل حتی قانون نانوشته را به سهولت به کار بستند. بنابراین به درستی می‌توان گفت که قوانین تورات چیزی جز شرح حال زندگی اسلاف و مباحث روزگار باستان یعنی اعمال و کلمات دورهٔ زندگی ایشان نیست، زیرا آنان شاگرد کسی نبودند و از معلم چیزی فرا نگرفتند، بلکه مردمانی بودند که به خودشان گوش فرا می‌دادند و خودشان را به آنچه بر وفق طبیعتشان بود تعلیم می‌دادند. در واقع، خود طبیعت قانون اولیه است. آنها هیچ کاری که سزاوار سرزنش ارادهٔ ایشان باشد انجام نمی‌دادند، در عین حال برای جرائمی که مرتکب شده بودند با صدای بلند به خدا التماس می‌کردند و با دعا و نیایش خشم

او را فرو می‌نشاندند تا بتوانند در یک زندگی کامل و پیراسته از جرائم عمدی و غیر ارادی سهیم شوند.

فیلون در اولین کتاب از کتاب‌های چهارگانه *دربارهٔ قوانین خاص* به موضوع ختنه می‌پردازد. و از جهات مختلف آن را تبیین می‌کند. گودیناف می‌گوید تا جایی که من اطلاع دارم این برای اولین بار بود که برای یهودیان دلایل بهداشتی ختنه ارائه شده است (Goodenough, 1940: 49). دو فرمان نخست، قواعد کاهنی، روش عبادت، اصول عبادت در معبد، قربانی حیوانات موضوعات دیگری هستند که در این رساله به آنها پرداخته شده است.

فیلون در کتاب دوم دربارهٔ فرمان سوم و چهارم و پنجم بحث می‌کند. فرمان چهارم به قوانین کلی تمام اعیاد یهودی و معنای عرفانی و رمزی آنها می‌پردازد. فرمان پنجم دربارهٔ اطاعت و فرمانبرداری از والدین است. فیلون سزای ناقضان این پنج فرمان را مرگ می‌داند.

فیلون در کتاب سوم به بخش دوم ده فرمان می‌پردازد. در این کتاب به قانون ازدواج، زنای با محارم، منع ازدواج با محارم، طلاق، تنظیم آمیزش در ازدواج، زنا و انحراف جنسی و مخالفت با قتل می‌پردازد. او در کتاب چهارم بقیهٔ فرامین را بحث می‌کند. تحت عنوان سرقت او انواع و اقسام سرقت (بچه دزدی، زیان مالی)، سپرده‌گذاری و وام؛ و در بحث از شهادت دروغ در دادگاه، غیب‌گویی، شرایط قضاوت، معیارهای قبول شهادت را بحث می‌کند. در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به این چهار کتاب شده است. در کتاب *حقوق یهودی* به موارد زیادی از شباهت‌های رویه‌های حقوقی رومی و یونانی اشاره کرده است.

رسالهٔ بعدی از کتب تفسیری (*رسالهٔ دربارهٔ فضیلت*) است. موضوع این رساله اخلاق است نه شریعت. بخشی با عنوان پرهیزکاری و تقوا دارد که به عناوین و زیر بخش‌های زیر تقسیم می‌شود: شجاعت، دوست داشتن همنوع، توبه، نجابت (اصالت خانوادگی). قبل از اثبات درستی قانون یهودیت اثبات می‌کند که قوانین یهودی نیز با بهترین سنت‌های اخلاق یونانی سازگار است می‌گوید تأکید زیاد فیلون بر دوست داشتن همنوع در یهودیت دفاعیهٔ او در مقابل اتهام غیر یهودیان مبنی بر بیزاری یهودیان از سایر اقوام و حتی از قوم خودشان (اتهام مردم گریزی) جالب توجه است. محبت خدا در محبت به مردم ثمر می‌دهد. دو فضیلت توبه و نجابت (اصالت خانوادگی) بهانه‌ای شد تا فیلون از نودینی بحث کند. یک غیر یهودی برای یهودی شدن باید شرک و چندگانه پرستی را ترک کند، خدای واحد را تصدیق و عبادت کند و بر طبق بهترین فضایل عمل کند. فیلون با تأکید بر اصالت خانوادگی نو دینان را با یهودیان مادرزاد برابر و در واقع برتر از کسانی می‌داند که تنها به طور موروثی یهودی هستند فضیلت و مراعات احکام و قوانین به یهودی متولد شدن وابسته نیست، چنانکه آدم، قابیل، عیسی و فرزندان ابراهیم به جز اسحاق این را اثبات کرد، بلکه موضوعی مربوط به قلب است. وقتی مراعات

شریعت ملاک شد انسان‌ها بر پایهٔ شایستگی‌های خود مورد داوری قرار می‌گیرند و نه پدرانشان.

فیلون در تفسیرهای رمزی خود بر تورات یهودیان هم کیش خود را مد نظر داشت تا به معنای باطنی کتاب مقدس که تنها با تأمل بدست می‌آید پی ببرند. هشت رساله در باب تفسیر رمزی وجود دارد که همه با تورات و به خصوص با سفر پیدایش (باب ۲ تا ۳۱) در ارتباط هستند. بدون تردید، طولانی‌ترین و مهم‌ترین رساله، رساله‌ای است، چون باب دوم و سوم سفر پیدایش را تفسیر می‌کند و منبع غنی نظرات دینی فیلون در موضوعات ذیل است: سرمدیت و تعالی خدا، خلقت موجودات خاصه انسان، ازلی نبودن جهان و غیر زمانی بودن خلقت، وحدت جهان و سلسله مراتب عناصر آن، مشیت الهی، تعالی و حلول و درباره ی تاثیر مستقیم فیض در اعماق نفس، مسئولیت شخص و فیض، عروج به سمت خدا و برخورداری از حکمت حقیقی که در پایان به ملاقات با خدا می‌انجامد، البته در صورتی که نفس از رذایل پیراسته و به فضایل مزین گردد.

آخرین رسالهٔ تفسیری فیلون رسالهٔ (*دربارهٔ پاداش‌ها و کیفرها*) است. این رساله به گفتهٔ گودیناف در واقع بازبینی یا خلاصه‌ای از نکاتی است که در ذهن فیلون بوده است. شیوخ هفت‌گانه ایناس، اخنوخ، نوح، ابراهیم، اسحاق و یعقوب و موسی نمونه و مصداق کامل یهودیت می‌باشند. پاداش این افراد کمال عرفانی بود، نه سعادت در حیات بعدی. قابیل و قارون نمونه‌هایی از کیفر هستند که با دور شدن از خدا مورد لعن قرار گرفته‌اند و با کیفرهایی نظیر غم و ترس دست به گریبان بودند. این بخش ناگهان بدون نتیجه‌گیری قطع می‌شود. البته نتیجه معلوم است. او خوانندهٔ غیر یهودی را به دست‌یازی به مواهب یهودیت عرفانی تشویق می‌کند.

چنانکه ملاحظه می‌شود، ترتیب نگارش رسالهٔ فیلون حکایت از این نکته دارد که ما به تدریج از یک سیاست‌مدار فعال که بر علیه حملات کینه‌توزانه از یهودیت دفاع می‌کرد به آثاری می‌رسیم که در آنها یهودیت به غیر یهودیان معرفی می‌شود به امید آنکه به یهودیت بگروند نه اینکه تحمل و سعهٔ صدر ایشان بالا رود. ما در این گونه آثار سخنی از وی نمی‌شنویم که دربارهٔ خود یهودیان گفته باشد.

رسالهٔ (*دربارهٔ مواهب و مصائب*) به اشتباه در بخش آخر رسالهٔ *دربارهٔ پاداش‌ها و کیفرها* به چاپ رسیده است. او در این رساله بر ضرورت حفظ شریعت تأکید می‌کند. به کسانی که با دقت شریعت را مراعات کنند مواهبی نظیر زندگی طولانی، فرزندان صالح و رفاه ارزانی خواهد شد و کسانی که نافرمانی کنند کیفر خواهند دید.

فیلون در رساله‌های تفسیری خود یهودیان ساده و معمولی تمام دوران و یهودیان فرهیخته تفسیر رمزی را مد نظر داشته است. گودیناف معتقد است فیلون در تفاسیر رمزی خود هدف معینی را دنبال نمی‌کند (Goodenough, 1940: 55). مجموعهٔ سؤالات و پاسخ‌ها که بیشتر حول

محور تفسیر سفر پیدایش و خروج است اثر بزرگی است که بخشی از آن به یونانی و بقیه به زبان ارمنی وجود دارد. مجموعهٔ فوق یک قرن قبل به لاتینی و بخش مفید آن از لاتینی به انگلیسی توسط یانگ ترجمه و به چاپ رسید. روش فیلون در این مجموعه تفسیری است . او آیه به آیه تفسیر و معنای لفظی یا معنای عرفانی و عقلانی آنها را بیان می‌کند. هر بخشی با سؤال شروع می‌شود، و با یک آیه پاسخ داده می‌شود. پاسخ‌ها گاهی چند سطر و گاهی چند صفحه هستند.

در پایان از آن دسته از رساله‌هایی یاد می‌کنیم که رساله‌های فلسفی نامیده شده‌اند. فیلون در این رساله‌ها به عنوان یک فیلسوف سخن گفته است و به ندرت یا حتی اصلاً از کتاب مقدس عبرانی نقل قول نکرده است. از دیر باز اصالت این رساله‌ها مورد بحث بوده است، ولی امروزه همگان اصالت آنها را پذیرفته‌اند. مخاطبان این رساله‌ها یهودیان علاقمند به فلسفه و در عین حال در شرف ارتداد بوده‌اند. فیلون در این رساله‌ها به طرح مسائلی پرداخته که برای فرهیختگان اسکندریه مطرح بوده است. رسالهٔ اسکندر یا دربارهٔ این که آیا حیوانات عقل دارند و به لاتینی رسالهٔ دربارهٔ حیوانات محاوره‌ای میان فیلون و برادرزاده‌اش است که در صدد اثبات این مطلب بود که حیوانات دارای عقل و هوش هستند. موضوعی که قبلاً ارسطو مطرح کرده بود.

رسالهٔ بعدی، رسالهٔ (*دربارهٔ ازلیت جهان*) است که ما تنها نیمهٔ نخست را در اختیار داریم. این رساله نشان می‌دهد که فیلون به رغم وفاداری و اعتقاد راسخ به تعالیم موسی چگونه با افکار فیلسوفان یونانی آشنا بوده است. این رساله نیز محاوره و گفت و شنودی است میان فیلون و برادرزاده‌اش الکساندر. فیلون در این رساله ضمن بسط دیدگاه‌های خود در باب مشیت الهی با استدلال‌های رواقی‌ها، اپیکوری‌ها و شکاکان مخالفت می‌کند. بخش زیادی از این رساله به زبان ارمنی و عبارت است از: رسالهٔ فلسفی دیگر که از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول این رساله با عنوان هر انسان نابکار و شریری برده است مفقود می‌باشد و بخش دوم آن رسالهٔ هر انسان خوبی آزاد است می‌باشد. این رساله همان اندازه به اخلاق رواقی نزدیک است که رساله بعدی با کیهان‌شناسی رواقی مخالف است (Ibid. 59).

رسالهٔ *دربارهٔ خدا* که تفسیر باب هجده سفر پیدایش است فقط به زبان ارمنی وجود دارد. بعد از رسالهٔ فوق، رسالهٔ دربارهٔ فنا ناپذیری جهان باید مطالعه شود. در اینجا فیلون استدلال می‌کند که جهان مادی نه خلق می‌شود و نه نابود می‌گردد. آرای افلاطون و ارسطو و رواقیان را بیان می‌کند، اما بیشتر دغدغهٔ نقد دیدگاه رواقیان مبنی بر خلق و نابودی چرخهٔ جهان را دارد. چنانکه جملهٔ پایانی این رساله نشان می‌دهد که آن آغاز یک رسالهٔ بزرگتر است.

فهرست جامع تمام تحقیقاتی که تا سال ۱۹۳۷ ارائه شده است در کتاب‌شناسی گودهارت

(Goodhart) و گودیناف و از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۸۱ در کتاب‌شناسی هیلگرت (Hilgert) آمده است. فهرست هر دو کتاب‌شناسی به زیر بخش‌هایی تقسیم شده است که تمام جنبه‌های مختلف تفکر فیلون را دربر می‌گیرد و خوانندگان از طریق عناوینی که نویسندگان به آنها داده‌اند به راحتی با افکار فیلون آشنا می‌شوند. کتاب‌شناسی که اخیراً توسط رادیچ به چاپ رسیده، آثاری را که حد فاصل سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۸۲ منتشر شده است، در برمی‌گیرد. در این کتاب‌شناسی تلاش شده است خلاصهٔ عینی‌تری از مفاد تمام عناوینی که آثار فیلون در بردارد ارائه شود. اگرچه این کتاب‌شناسی به آثاری که به زبان‌های لاتینی، آلمانی، انگلیسی و اسپانیایی نوشته شده محدود شده است اما تعداد عناوین آن به ۱۱۱۸ عنوان می‌رسد.

برای دست‌یابی مستقیم‌تر به مفاد آثار فیلون فهرست‌های راهنمای متعدد و متنوعی فراهم آمده است. لایزگانک و مایر فهرست واژه‌هایی یونانی که فیلون به کار برده است تهیه کرده‌اند. اولی از جامعیت کمتری برخوردار است، ولی از جهاتی مفیدتر است. دبلیو. تایلر در پیوستی که ضمیمهٔ ترجمهٔ آلمانی آثار فیلون شده است فهرستی از موضوعات کلامی و فلسفی آثار فیلون به دست داده است. ارپ (T.W. Earp) فهرستی از آیات کتاب مقدس عبرانی را که فیلون بدان‌ها استناد کرده ارائه کرده است.

منابع

1- Philo, ***the Works of Philo complete and unabridged***, translated By C.D.Yonge, Hendrickson, 3rd, 1995. (On the creation, Allegorical Interpretation I, Allegorical Interpretation II, Allegorical Interpretation III, on the cherubim, on the Birth of Abel and the sacrifices offered by Him and by His Brother cain, That the worse Is wont to Attack the Better on the posterity of cain abd His Exile, on the Giants, on the Unchangeableness of God, on Husbandry, concerning Noah s work as a planter, on Drunkenness, on the prayers and curses Uttered by Noah when He Became sober, on the confusion of Tongues, on the Migration of Abraham, who Is the Heir of Divine Things, on Mating with the preliminary studies, on Flight and Finding, on the change of Names, on Dreams, That They Are God-sent, on Abraham, on Joseph, on the Life of Moses,I, on the Life of Moses, II, The Decalogue, The special Laws,I, The special Laws,II, The special Laws, III, The special Laws, IV, on the Virtues, on Rewards and punishments Every Good Man Is Free, on the contemplative Life or suppliants, on the Eternity of the World Flaccus, Hypothetica: Apology for the Jews, on providence:Fragment I, on providence:Fragment II on the Embassy to Gaius:The First part of the Treatise on Virtues, Questions and Answers on Genesis, I, Questions and Answers on Genesis, II, Questions and Answers on Genesis, III)

2- Runia, ***How to read philo***, 1, 1-2, in Exegesis and Philosophy: Studies on Philo of Alexandria, variorum, Aldershot, 1990, pp.185-98.

3- Eywin R.Goodenough, ***Introduction to Philo Judaeus***, Oxford University press, 1940, 3vols, Cambaridge University press, 1999.

4- William Horbury(Ed), ***the camberidge History of Judaism***.